**چگونه یک مقاله علمی بنویسیم؟ (اصول مقاله نویسی )**

**1.مقدمه**
مقاله علمي معمولاً در نتيجه پژوهش منطقي، ژرف و متمرکز نظري، عملي يا مختلط، به کوشش يک يا چند نفر در يک موضوع تازه و با رويکردي جديد با جهت دستيابي به نتايجي تازه، تهيه و منتشر مي‏گردد. (اعتماد و همکاران، 1381، ص2) چنين مقاله‏اي در واقع گزارشي است که محقق از يافته‏هاي علمي و نتايج اقدامات پژوهشي خود براي استفاده ساير پژوهشگران، متخصصان و علاقه‏مندان به دست مي‏دهد.

تهيه گزارش از نتايج مطالعات و پژوهش‏هاي انجام شده، يکي از مهم‏ترين مراحل پژوهشگري به شمار مي‏رود؛ زيرا اگر پژوهشگر نتواند دستاوردهاي علمي خود را در اختيار ساير محققان قرار دهد، پژوهش او هر اندازه هم که مهم باشد، به پيشرفت علم کمکي نخواهد کرد؛ چون رشد و گسترش هر عملي از طريق ارائه و به هم پيوستن دانشِ فراهم آمده از سوي فردفرد انديشمندان آن علم تحقق مي‏يابد.

همان طور که پژوهشگر پيش از اقدام به پژوهش، نيازمند توجه و بررسي يافته‏هاي علمي پژوهشگران قبل از خود است تا بتواند يافته‏هاي علمي خود را گسترش بخشد، ديگران نيز بايد بتوانند به يافته‏هاي پژوهشي او دسترسي پيدا کنند و با استفاده از آنها فعاليت‏هاي علمي خود را سازمان داده، در ترميم و تکميل آن بکوشند.

از امتيازهاي مهم يک مقاله مي‏توان به مختصر ومفيد بودن، بِروز بودن و جامع بودن آن اشاره کرد؛ زيرا محقق مي‏تواند حاصل چندين ساله پژوهش خود در يک رساله، پايان‏نامه، پژوهش، يا حتي يک کتاب را به اختصار در يک مقاله علمي بيان کند تا پژوهشگران ديگر بتوانند با مطالعه آن مقاله از کليات آن آگاهي يابند و در صورت نياز بيشتر، به اصل آن تحقيقات مراجعه کنند.

بدين منظور، امروزه نشريات گوناگوني در زمينه‏هاي مختلف علمي- پژوهشي نشر مي‏يابد و مقاله‏هاي به چاپ رسيده در آنها، اطلاعات فراواني را در اختيار دانش پژوهان قرار مي‏دهند. لازم است محققان با شيوه تدوين مقالات علمي آشنا باشند تا بتوانند با استفاده از شيوه‏هاي صحيح، با سهولت، نتايج تحقيقات و مطالعات خود را به صورت مقاله در اختيار علاقه‏مندان قرار دهند.

نوشتن مقاله مستلزم رعايت اصولي در ابعاد مختلف محتوايي، ساختاري و نگارشي است.

**2. ملاک‏هاي محتوايي مقاله(2)**
يکي از مهم‏ترين ابعاد مقاله علمي، محتواي علمي و ارزشمنديِ کيفي آن است. مقاله بايد يافته‏هاي مهمي را در دانش بشر گزارش نمايد و داراي پيامي آشکار باشد؛ بنابراين پيش از تهيه مقاله، محقق بايد از خود بپرسد که آيا مطالب او آن‏قدر مهم است که انتشار آن قابل توجيه باشد. آيا ديگران از آن بهره خواهند برد؟ و آيا نتايج پژوهش او، کار آنها را تحت تأثير قرار خواهد داد؟ (هومن، 1378، ص 82).

در اينجا به چندين اصل مهم از اصول و معيارهاي محتوايي پژوهش علمي اشاره مي‏گردد که توجه به آنها قبل از تهيه مقاله به ارتقاي کيفيت آن کمک مي‏نمايد.

الف) فرايند «تفکر»: تفکر، تلاش براي معلوم کردن مجهول با استفاده از علوم موجود است. (غرويان، 1368، ص11) بنابراين اساسي‏ترين محور محتوايي يک پژوهش علمي، آن است که مجهولي را روشن نمايد. بر اين اساس، هر پژوهش علمي در پي پاسخ دادن به پرسش‏هايي است که تاکنون براي مخاطبان کشف نشده است. از اين رو پژوهش علمي هميشه با طرح يک يا چند سئوال آغاز مي‏شود که محقق در صدد پاسخگويي به آنهاست.

ب) منطقي بودن: منطق که راه درست انديشيدن (تصور) و صحيح استدلال آوردن (تصديق) را مي‏آموزاند، (مطهري، 1372، ص 21) ابزار ضروري يک مقاله علمي است و محقق بايد شايستگي لازم را در استدلال آوردن، تحليل محتوا و نتيجه‏گيري داشته باشد. قواعد تعريف، طبقه‏بندي، استنباط‏هاي قياسي و استقرايي، روش‏هاي مختلف نمونه‏برداري و غيره همه از ويژگي‏هاي منطقي يک مقاله علمي است که محقق بايد به آنها توجه داشته باشد. (هومن، 1374، ص 19).

ج) انسجام و نظام‏دار بودن: مرتبط بودن اجزاي مختلف مقاله با همديگر، همچنين متناسب بودن آنها با عنوان مقاله و ارتباط عناوين فرعي با همديگر، از جمله مواردي است که به تحقيق، يکپارچگي و انسجام مي‏بخشد. بر اين اساس، محقق بايد عناوين فرعي مقاله خود را با نظمي منطقي از يکديگر مجزا کرده، ارتباط بخش‏ها را مشخص نمايد.

د) تراکمي بودن: از آنجا که هدف پژوهش پاسخ به سئوال هايي است که تا آن زمان دست کم از نظر محقق، پاسخي منطقي براي آن وجود نداشته است، هر پژوهش علمي بايد از يک سو به منظور کشف دانش جديد، و از سوي ديگر، براي تکميل دانش، صورت پذيرد. بنابراين هدف اصلي يک مقاله، کشف يا تکميل دانش بشري است، نه تکرار دوباره آن با عبارات مختلف. (هومن، 1374، ص 20).

ر) تناسب موضوع با نيازهاي فعلي جامعه علمي: هر پژوهش علمي بايد نيازهاي اساسي جامعه علمي خود را در نظر گرفته، در صدد حل آن مسايل برآيد؛ بنابراين از طرح موضوعاتي که از اولويت تحقيقي برخوردار نيستند و جامعه علمي، بدانها نياز ندارد، بايد احتراز نمود.

س) خلاقيت و نوآوري: هر تحقيق علمي زماني مي‏تواند در ارتقاي سطح دانش، موفق و موثر باشد که از فکري بديع و خلّاق برخوردار باشد. مقالاتي که به جمع آوري صِرف بسنده مي‏کنند، نمي‏توانند سهم عمده‏اي در پيشرفت دانش بشري داشته باشند.

ص) توضيح مطلب در حدّ ضرورت: از جمله مواردي که محقق در گزارش نويسي پژوهش خود (مقاله) بايد بدان توجه کند، پرهيز از حاشيه‏روي و زياده‏گوييِ افراطي است؛ همچنان که خلاصه‏گويي نبايد به حدّي باشد که به ابهام و ايهام منجر شود؛ بر اين اساس محقق بايد به حدّي مطالب را تبيين کند که مقصود وي براي خواننده، روشن شود.

ط) متناسب بودن با نظريه‏ها: هر رشته علمي، متشکل از نظريه‏ها و قوانيني است که مورد اتفاق صاحب‏نظران آن فن است؛ از آنجا که تحقيقات علمي در اين پژوهشگاه در حيطه مشترک علوم انساني- اسلامي است، يافته‏هاي به دست آمده در تحقيقات ميداني يا توصيفي نبايد با اصول مباني ديني و همچنين با قوانين کلي آن رشته تخصصي منافات داشته باشد.

ع) اجتناب از کلي گويي: هدف نهايي علم، صورتبندي يک «نظريه»(3) و «تبيين کردن»(4) يکي از اصول مهم نظريه است. (دلاور، 1371، ص 33) از اين رو محقق بايد بتواند مباحث علمي خود را به روشني توضيح دهد و با زبان گويا آن را تبيين و از کلي گويي اجتناب نمايد.

ف) گزارش روش‏شناسي تحقيق: «تحقيق»(5) فرايندي است که از طريق آن مي‏توان درباره ناشناخته‏ها به جست و جو پرداخت و از آن، شناخت لازم را کسب کرد. در اين فرايند چگونگي گردآوري شواهد و تبديل آنها به يافته‏ها «روش‏شناسي»(6) ناميده مي‏شود. اين سئوال که چگونه داده‏ها بايد گردآوري شود و مورد تفسير قرار گيرد، به طوري که ابهام حاصل از آنها به حداقل ممکن کاهش يابد؟» از موارد مهم تحقيق علمي است. (سرمد و همکاران، 1379، ص 22). يک تحقيق علمي زماني مي‏تواند مطالب خود را به اثبات برساند که از روش گردآوري مناسبي برخوردار، و آن روش‏ها در مقاله به خوبي بيان شده باشد.

**3.ساختار مقاله علمي**
نوشتن مقاله مستلزم داشتن طرحي مدوَّن است. در گزارش يک تحقيق نه تنها بايد ارزش‏هاي محتوايي را مراعات کرد، بلکه بايد از ساختار روشمندي نيز پيروي کرد. امروزه تحقيقات فراواني انجام مي‏شود، اما تنها بخش کوچکي از آنها در مقالات منتشر مي‏گردد. يکي از دلايل آن، عدم مهارت محقق در تهيه و تدوين ساختاري مقاله علمي است.

ساختار مقاله و تهيه گزارش از يک پژوهش علمي، با توجه به روش به کار گرفته شده در پژوهش، متفاوت است. دانشمندان در يک تقسيم بندي کلي، روش‏هاي استفاده شده در علوم را به دو دسته تقسيم مي‏کنند. روش‏هاي کمي که در آنها از داده‏هاي کمّي در تحقيق استفاده مي‏شود (تحقيقات ميداني) و روش‏هاي کيفي که در آنها از داده‏هاي کيفي (تحقيقات کتابخانه‏اي) استفاده مي‏شود.(سرمد و همکاران، 1379، ص 78).

مراحل گزارش يک پژوهش (مقاله) با توجه به روش اتخاذ شده در تحقيق، با تفاوت هايي بيان مي‏گردد.

به دليل يکسان بودن هر دو روش در مراحل مقدماتي، و براي پرهيز از تکرار در اينجا مراحل مقدماتي را به صورت مجزا مي‏آوريم.

**1.3.مراحل مقدماتي گزارش پژوهشي**
**1.1.3.موضوع يا عنوان مقاله**
عنوان، مفهوم اصلي مقاله را نشان مي‏دهد و بايد به طور خلاصه، مضمون اصلي پژوهش را نشان دهد. عنوان مقاله بايد جذاب باشد، يعني به گونه‏اي انتخاب شود که نظر خوانندگان را که معمولاً ابتدا فهرست عناوين مندرج در يک مجله علمي را مي‏خوانند به خود جلب نمايد. همچنين عنوان بايد کوتاه و گويا و تنها بيانگر متغيرهاي اصلي پژوهش باشد. تعداد کلمات در عنوان را حداکثر دوازده واژه بيان کرده‏اند. (سيف، 1375، ص 12).

**2.1.3. نام مؤلف يا مؤلفان و سازمان وابسته**
بعد از عنوان پژوهش، نام مؤلف يا مؤلفان ذکر مي‏شود و در سطر زير آن، نام دانشگاه يا مؤسسه که هر يک از مؤلفان در آن مشغول به کارند، مي‏آيد. اگر پژوهش به وسيله دو يا چند نفر انجام بگيرد و همه آنها به يک دانشگاه يا مؤسسه وابسته باشند، نام مؤسسه يک‏بار، آن هم به دنبال نام مؤلفان ذکر مي‏شود. اما اگر هر يک از مؤلفان به سازمان خاصي وابسته باشند، بايد بعد از نام هر يک از آنان، بلافاصله نام مؤسسه‏اي که به آن وابسته‏اند، ذکر شود. ترتيب قرار گرفتن نام مؤلفان به دنبال يکديگر، معمولاً متناسب با ميزان مشارکت آنان در انجام پژوهش است؛ اما اگر ميزان مشارکت همه افراد در اجراي پژوهش يکسان باشد، اسامي آنان به ترتيب حروف الفبا در دنبال هم قرار مي‏گيرد. (هومن، 1378، ص 84).

**3.1.3.چکيده(7)**
چکيده، خلاصه جامعي از محتواي يک گزارش پژوهشي است که همه مراحل و اجراي اصلي پژوهش را در خود دارد. هدف‏ها، پرسش‏ها، روش‏ها، يافته‏ها و نتايج پژوهش، به اختصار، در چکيده آورده مي‏شود. در متنِ چکيده بايد از ذکر هرگونه توضيح اضافي خودداري شود. مطالب چکيده بايد فقط به صورت گزارش (بدون ارزشيابي و نقد) از زبان خود پژوهشگر (نه نقل قول) به صورت فعل ماضي تهيه شود.

چکيده در حقيقت بخشي کامل، جامع و مستقل از اصل گزارش در نظر گرفته مي‏شود و نبايد پيش از انجام گزارش، پژوهش تهيه شود. طول چکيده براي مقاله، بستگي به روش‏هاي خاص هر مجله دارد و معمولاً بين صد تا 150کلمه پيشنهاد شده است.

**4.1.3.واژگان کليدي(8)**
معمولاً در انتهاي چکيده، واژگان کليدي پژوهش را بيان مي‏کنند تا به خواننده کمک کنند، پس از خواندن چکيده و آشنايي اجمالي با روند تحقيق، بفهمد چه مفاهيم و موضوعاتي در اين مقاله مورد توجه قرار گرفته است. معمولاً با توجه به حجم و محتواي مقاله، پنج تا هفت واژه کليدي در هر مقاله بيان مي‏شود. (سرمد، 1379، ص 321).

**2.3. ساختار مقاله مبتني بر پژوهش ميداني**
روش‏ها و اصول کلي ناظر بر گزارش فعاليت پژوهشي شاخه‏هاي علوم، تقريبا به طور خاصي به کار مي‏روند که همگي متکي بر «روش علمي»(9) است. انجمن روان شناسان (APA) به منظور تسهيل در امر انتقال روش نتايج پژوهش، الگوي استاندارد شده‏اي را در اختيار مؤلفان قرار داده تا در موقع تهيه گزارش پژوهشي خود، آن اصول را به کار گيرند و تقريبا همه مجله‏هاي معتبر علوم انساني در تهيه و تنظيم نوشته‏هاي پژوهش خود از آنها پيروي مي‏کنند. (هومن،1378،ص 10) که در زير به اختصار به مراحل آن اشاره مي‏گردد.

**1.2.3.مقدمه(10)**
هر مقاله علمي با يک مقدمه شروع مي‏شود و آن، خلاصه‏اي از فصل اول و دوم پايان نامه‏ها و رساله‏هاست که به طور مختصر به بيان کليات تحقيق و بررسي مختصري از پيشينه آن مي‏پردازد؛ بنابراين در مقدمه مقاله مسئله تحقيق و ضرورت انجام آن و اهداف آن از نظر بنيادي و کاربردي به صورت مختصر بيان مي‏گردد و سپس به بررسي سوابق پژوهشي که به طور مستقيم به موضوع تحقيق مرتبط است، پرداخته مي‏شود. مقدمه بايد يک منطق اساسي را در تحقيق بيان کند و به خواننده نشان دهد که چرا اين تحقيق ادامه منطقي گزارش‏هاي پيشين است. در اين بخش پس از نتيجه‏گيري از پژوهش‏هاي بررسي شده، محقق بايد پرسش‏هاي پژوهش خود را به صورت استفهامي بيان کرده و به تعريف متغيرهاي تحقيق به صورت عملياتي بپردازد. (هومن، 1378، ص 87).

**2.2.3.روش(11)**
هدف اساسي از بيان روش آن است که به گونه‏اي دقيق، چگونگي انجام پژوهش، گزارش گردد تا خواننده بتواند آن را تکرار نمايد و همچنين درباره اعتبار نتايج داوري کند؛ بنابراين مؤلف بايد همه مراحل اجرا، از جمله آزمودني‏ها، ابزارهاي پژوهش، طرح پژوهش، روش اجرا و روش تحليل داده‏ها را بيان کند.

الف) آزمودني‏ها:(12) جامعه مورد مطالعه و ويژگي‏ها و مشخصات آن از نظر تعداد، سن، جنسيت، ميزان تحصيلات و... همچنين چگونگي انتخاب آنها و در صورت گروه‏بندي شدن تعداد گروه‏ها و مقدار افراد هر گروه بيان مي‏شود.

ب) ابزارها:(13) ابزارهاي آزمايش، مثل پرسشنامه، تست و... پس از آن بيان مي‏گردد. چنانچه ابزار سنجش، يک وسيله مشهور و استاندارد شده باشد، اشاره به نام آن کافي است، اما اگر يک مقياس خودساخته باشد، بايد چگونگي طراحي و تهيه آن و شواهد مربوط به اعتبار و روايي بودن آن گزارش شود.

ج) طرح پژوهش:(14) به نقشه کار پژوهشگر براي حل مسئله پژوهش، طرح گفته مي‏شود. ابتدا متغيرهاي مستقل، وابسته و تعديل کننده و... بيان مي‏شود، سپس طرح‏هاي پژوهشي، مثل طرح تک آزمودنيِ پيش‏تست- پس تست، تحليل واريانس عاملي و...، که در روش به کار گرفته شده، بيان مي‏گردد. همچنين تکنيک‏هاي کنترل متغيرهاي نامربوط و ناخواسته، مانند تصادفي ساختن، همتاسازي و غيره مورد توجه قرار مي‏گيرد.

د) شيوه اجرا:(15) در اين قسمت همه مراحلي که آزمودني و آزماينده در طول مطالعه انجام داده‏اند، به صورت گام به گام تشريح مي‏گردد. گردآوري داده‏ها، دستورالعمل‏هاي اجراي پژوهش، چگونگي تشکيل گروه‏هاي آزمايشي و کنترل، چگونگي اجراي آزمايش و شيوه ثبت پاسخ‏ها و امثال آن، به طور خلاصه و دقيق توضيح داده مي‏شود.

ر) تحليل داده‏ها:(16) در اين قسمت چگونگي طبقه‏بندي، مرتب کردن، خلاصه‏کردن و تحليل‏کردن داده‏ها بيان مي‏شود؛ همچنين روش‏هاي آماري توصيفي به کار گرفته شده مثل فراواني‏ها، درصدها، نمودارها، مقادير مرکزي و پراکندگي؛ و روش‏هاي آماري استنباطي، مثل اجراي آزمون t، z ياf، استفاده شده در تحقيق بيان مي‏گردد. (هومن، 1378، ص 87 - 89).

**3.2.3. نتايج (17)**
در اين بخش، توصيف کلاميِ مختصر و مفيدي از آنچه به دست آمده‏است، ارائه مي‏شود. اين توصيف کلامي با اطلاعات آماري مورد استفاده، کامل مي‏شود و بهترين روش آن است که داده‏ها از طريق شکل و نمودار يا جدول، نمايش داده شوند. ساختار بخش نتايج، معمولاً مبتني بر ترتيب منطقي پرسش‏ها يا فرضيه‏ها و نيز وابسته به تأييد شده بودن يا تأييد نشده بودن فرضيه‏هاست. ترتيب بيان نتايج نيز يا برحسب ترتيب تنطيم سؤال‏ها يا فرضيه‏هاي آنهااست، (سيف، 1375، ص 30) يا برحسب اهميت آنها. روش متداولِ بيان نتايج، آن است که ابتدا مهم‏ترين و جالب‏ترين يافته‏ها و سپس به ترتيب، يافته‏هاي کم اهميت‏تر ارائه مي‏شود. (هومن، 1378، ص 90).

**4.2.3.بحث(18) و تفسير(19)**
در اين بخش، تمام اجزاي گزارش تحقيق به هم ربط داده مي‏شوند و محقق با ترکيب و پيوند بخش‏هاي مختلف، خواننده را به سوي يک نتيجه‏گيري کلي هدايت مي‏کند. بنابراين لازم است شباهت‏ها و تفاوت‏هاي نتايج اين پژوهش با پژوهش‏هاي قبلي روشن گردد و نيز معلوم شود که يافته‏هاي پژوهش، به روشن شدن مسئله مورد بررسي و زمينه دانش آن چه کمکي کرده‏است.

بنابراين توصيه مي‏شود در اين بخش، ضمن توضيح کوتاهي درباره مسئله پژوهش و بيان نتايج تحقيق، به تفسير نتايج پرداخت. براي اين کار بايد اين نتايج را با يافته‏هاي نتايج پيشين مقايسه کرد. آن‏گاه توضيح داد که پژوهش حاضر، به گسترش دانش زمينه مورد نظر چه کمکي کرده‏است، و در ضمن آن، کاربرد احتمالي آن را مشخص کرد و نقاط ضعف پژوهش را همراه با پيشنهادهايي براي پژوهشگراني که در آينده مي‏خواهند در اين زمينه پژوهش، کار کنند، بيان کرد. (سيف، 1375، ص 33).

**3.3.ساختار مقاله مبتني بر پژوهش توصيفي**
اصول به کارگرفته شده در پژوهش‏هاي توصيفي باتوجه به روش‏هاي به کارگرفته شده، با اصول پژوهش‏هاي ميداني، مقداري متفاوت است. هر چند اين اصول ممکن است با توجه به موضوع‏هاي مختلف تحقيقي و رشته‏هاي مختلف، تغيير نمايد، ساختار کلي‏اي که تقريبا همه پژوهش‏هاي توصيفي بايد در قالب آن درآيند، به شرح زير است.

**1.3.3.مقدمه**
آنچه در مقدمه يک مقاله تحقيق کتابخانه‏اي قرارمي‏گيرد - همانند تحقيفات ميداني - کلياتي است که محقق بايد قبل از شروع بحث، آن را براي خواننده روشن نمايد؛ مانند تعريف و بيان مسئله تحقيق، تبيين ضرورت انجام آن و اهدافي که اين تحقيق به دنبال دارد. همچنين محقق بايد خلاصه‏اي از سابقه بحث را - که به طور مستقيم مرتبط با موضوع است - بيان کند و در نهايت توضيح دهد که اين مقاله به دنبال کشف يا به دست‏آوردن چه مسئله‏اي است؛ به عبارتي، مجهولات يا سؤال‏هاي مورد نظر چيست که اين مقاله درصدد بيان آنهااست.

**2.3.3.طرح بحث (متن)**
در اين بخش، مؤلف وارد اصل مسئله مي‏شود. در اينجا بايد با توجه به موضوعي که مقاله در پي تحقيق آن است، عناوين فرعي‏تر از هم متمايز گردند. محقق در تبيين اين قسمت از بحث، بايد اصول مهم قواعد محتوايي مقاله را مورد توجه قراردهد و سعي کند آنها را مراعات نمايد؛ اصولي مانند: منطقي و مستدل بودن، منظم و منسجم‏بودن، تناسب بحث با عنوان اصلي، ارتباط منطقي بين عناوين فرعي‏تر در مسئله، خلاقيت و نوآوري در محتوا، اجتناب از کلي‏گويي، مستندبودن بحث به نظريه‏هاي علمي و ديني، جلوگيري از حاشيه‏روي افراطي که به انحراف بحث از مسير اصلي مي‏انجامد و موجب خستگي خواننده مي‏شود و همچنين پرهيز از خلاصه‏گويي و موجزگويي تفريطي که به ابهام در فهم مي‏انجامد، رعايت امانت حقوق مؤلفان، اجتناب از استناددادن به صورت افراطي، توجه‏داشتن به ابعاد مختلف مسئله و امثال اينها.

**3.3.3.نتيجه ‏گيري(20)**
در اين قسمت محقق بايد به نتيجه معقول، منطقي و مستدل برسد. نداشتن تعصب و سوگيري غيرمنصفانه در نتيجه‏گيري، ارتباط‏دادن نتايج با مباحث مطرح شده در پيشينه، ارائه راهبردها و پيشنهادهايي براي تحقيقات آينده، مشخص‏کردن نقش نتايج در پيشبرد علوم بنيادي و کاربردي و امثال آن، از جمله مواردي است که محقق بايد به آنهاتوجه داشته باشد.

**4. ارجاعات(21)**
اعتبار يک گزارش پژوهشي علاوه بر صحت و دقت داده‏ها و استدلال حاصل از آنها، به منابع و مراجعي است که از اطلاعات آنها در پژوهش استفاده شده است. ارجاعات از موارد مهم ساختار يک مقاله علمي است، به وسيله آن، چگونگي استفاده از انديشه‏هاي ديگران را به خواننده معرفي مي‏نمايد. در اين قسمت به دو بحث مهم ارجاعات اشاره مي‏شود که يکي شيوه ارجاع دادن در متن است و ديگري شيوه ذکر منابع در پايان مقاله.

**1.4.ارجاعات در متن(22)**
نخستين چيزي که درباره استناددادن در متن بايد مشخص بشود، اين است که: چه چيزي بايد مستند گردد؟ مک برني(23) (1990) موارد استنادآوردن را به شرح زير بيان داشته‏ است:

الف) بايد انديشه‏هايي را که به ديگران تعلق دارند، مشخص کرد و با ذکر مأخذ نشان داد که از آنِ چه کساني مي‏باشند (امانت‏داري)؛

ب) هر زمان که افکار و انديشه‏هايي با چهارچوب فکري کسان ديگري همخواني دارند، موارد را بايد با ذکر منبع مشخص کرد؛

ج) هر زمان که نظريه، روش يا داده‏اي موردبحث قرار مي‏گيرد، منبع آن را بايد ذکرکرد تا اگر خواننده خواست اطلاعات بيشتري درباره آن کسب کند، بتواند به آن مراجعه کند؛

د) بايد نقل قول‏هايي را که از يک متن به صورت مستقيم و بدون دخل و تصرف، داخل گيومه آورده مي‏شود، مستند ساخت. (مک برني 1990، به نقل از سيف، 1375، ص 39).

بنابراين اطلاعاتي که براي خوانندگان، اطلاعات عمومي به حساب مي‏آيند، لازم نيست مستند شوند. نويسنده، تنها در صورتي مي‏تواند به آثار خود ارجاع، دهد که اين ارجاع براي مطالعه بيشتر باشد و نقل از خود، معنا ندارد. همچنين در استنادکردن، حتي‏الامکان بايد به منبع مستقيم يا ترجمه آن استناد کرد. تنها زماني به منابع ديگران استناد مي‏شود که محقق دسترسي مستقيم به اصل اثر را نداشته باشد که در آن صورت بايد مشخص کرد که آن مطلب از يک منبع دست دوم گرفته شده است. (سيف، 1375، ص 40).

**1.1.4.شيوه ارجاع در متن**
هرگاه در متنِ مقاله مطلبي از يک کتاب يا مجله يا.. به صورت مستقيم يا غير مستقيم، نقل شود، بايد پس از بيان مطلب، آن را مستند ساخت. اين مستندسازي شيوه‏هاي مختلفي دارد که در اينجا به بخش‏هايي از آن اشاره مي‏شود.

در استناد، نام مؤلف و صاحب اثر، بدون القاب «آقا»، «خانم»، «استاد»، «دکتر»، «پروفسور»، «حجت‏الاسلام»، «آيت‏اللّه‏» و امثال آن آورده مي‏شود، مگر در جايي که لقب جزو نام مشخص شده باشد(24)، مانند خواجه نصيرالدين طوسي، آخوند خراساني، امام خميني، علامه طباطبايي. (دهنوي، 1377، ص 89).

**الف) يک اثر با يک مؤلف:**

پس از آوردن متن، داخل پرانتز: نام مؤلف، تاريخ انتشار، شماره صفحه به ترتيب مي‏آيد و پس از آن، نقطه آورده مي‏شود؛ مانند: (منطقي، 1382، ص 27).

**ب) يک اثر با بيش از يک مؤلف:**

اگر تأليف داراي دو يا سه مؤلف باشد، نام آنها به ترتيب ذکر شده در اثر، به همراه سال انتشار و شماره صفحه مي‏آيد؛ ولي در آثار با بيش از سه مؤلف، نام اولين مؤلف ذکر مي‏شود و به دنبال آن عبارتِ «و همکاران» و سپس سال انتشار و شماره صفحه مي‏آيد؛ مانند: (سرمد، بازرگان و حجازي، 1379، ص 50) يا (نوربخش و همکاران، 1346، ص 75).

**ج) آثار با نام سازمان‏ها و نهادها:**

در صورتي که آثار به نام شرکت‏ها، انجمن‏ها، مؤسسات، ادارات و مانند اينها انتشار يابند، در استنادکردن، به جاي نام مؤلف، نام سازمان مي‏آيد؛ مانند: (فرهنگستان زبان و ادبيات فارسي، 1382، ص 34).

**د) دو يا چند اثر يک مؤلف:**

هرگاه به دو يا چند اثر مهم اشاره شود، همه آنها در داخل پرانتز، و به ترتيب تاريخ نشر پشت سرهم مي‏آيند؛ مانند: (والاس، 1980، ص 15؛ 1988، ص 27؛ 1990، ص 5). و اگر چند اثر يک مؤلف در يک سال منتشر شده باشد، آثار مختلف او با حروف الفبا از هم متمايز مي‏گردند؛ مانند: (احمدي، 1365الف، ص22؛ 1365ب، ص 16).

**ر) استناد آيات و روايات:**

در استناد دادن به آيات، ابتدا نام سوره، سپس شماره آيه ذکر مي‏شود. درباره روايات نهج‏البلاغه، ابتدا نام کتاب سپس شماره خطبه، نامه يا کلمات قصار ذکر مي‏شود، و روايات غير نهج‏البلاغه، نام گردآورنده روايات، تاريخ نشر، شماره جلد و صفحه مي‏آيد؛ مانند: (بقره، 39)؛ (نهج‏البلاغه، خطبه 33)؛ (مجلسي، 1403، ج 56، ص 198).

**2.1.4.زيرنويس (پاورقي) توضيحي**
توضيحات اضافي، يا توضيح اصطلاحاتي را که نويسنده براي حفظ انسجام متن نمي‏تواند آن را در متن بياورد، مي‏توان در زير صفحه با مشخص‏کردن شماره آنها بيان کرد. نکته قابل توجه اينکه، اين توضيحات بايد حتي‏الامکان خلاصه ذکر شوند و نبايد تکرار مطالب متن باشند. ترجمه آيات و روايات بايد در متن مقاله‏هاي فارسي بيايد و در صورت نياز، متن عربي آن در پاورقي ذکر شود. اما در جايي که آوردن متن عربي در متن ضروري باشد، به جهت پرهيز از تطويل در متن علمي، از آوردن ترجمه در متن، اجتناب مي‏شود و به توضيح و تبيين آن اکتفا مي‏شود.

در ترجمه متون توضيحاتي که مؤلف در زيرنويس آورده، بايد عينا ترجمه شود و در صورتي که مترجم براي بيان اصطلاح يا تبيين مطلبي توضيحي را ضروري ببيند، مي‏تواند آن را در پاورقي ذکرکند و در جلوي آن لفظ «مترجم» را -براي متمايز ساختن آن از توضيحات مؤلف- بياورد.

**3.1.4.معادل‏ها**
کلمه‏هاي بيگانه در داخل متن حتما بايد به فارسي نوشته شود و صورت خارجي آنها در پاورقي ذکر گردد و اين، منحصر به اصطلاحات تخصصي يا اسامي اشخاص است. چنانچه در موارد خاصي لازم باشد که صورت خارجي آنها در داخل متن بيايد، بايد آنها را مقابل صورت فارسي در داخل پرانتز نوشت. (غلامحسين‏زاده، 1372، ص 17).

نکته قابل‏توجه در استناد دادن معادل‏ها اين است که اولاً در هر متن يا مقاله يا کتاب، فقط يک بار معادل انگليسي آنها آورده مي‏شود؛ ثانيا معادل‏هاي بکار گرفته شده بايد يکنواخت باشند. و در صورت آوردن معادل‏هاي ديگر، مثل فرانسه، آلماني، و... بايد، در متن توضيحي درباره آن داده شود. در نوشتن اسامي اشخاص، ابتدا نام بزرگ، سپس حرف اول نام کوچک او با حروف بزرگ نوشته مي‏شود مانند C،Jung .

**2.4.ارجاع در منابع**
محقق بايد در پايان مقاله فهرستي از منابع و مراجعي که در متن به آنها استناد کرده است، به ترتيب حروف الفباي نام خانوادگي در منابع فارسي (عربي يا انگليسي در صورت استفاده) بياورد. مقصود از فهرست منابع، به دست دادنِ صورت دقيق و کامل همه مراجعي است که در متن مقاله به آنها استناد شده‏است. هدف از ارائه اين فهرست، نشان دادن ميزان تلاش پژوهشگر در بررسي و استفاده از منابع گوناگون، احترام به حقوق ساير نويسندگان و مؤلفان و نيز راحتي دستيابي خواننده به منابع موردنظر است؛ علاوه براينکه تمامي مراجع و مآخذي که در متن به آنها استناد شده، بايد در فهرست منابع آورده شود، پس در بخش منابع، فقط منابعي آورده مي‏شود که در متن به آنها استناد شده است.

در ذکر هر منبع، حداقل پنج دسته اطلاعات، ضروري به نظر مي‏رسند که در همه ارجاعات مشترک‏اند:

1. نام مؤلف يا مؤلفان؛ 2. تاريخ انتشار اثر؛ 3.عنوان اثر؛ 4. نام شهر(ايالت)؛ 5. نام ناشر.

جداسازي اين اطلاعات از هم با نقطه (.) و جداسازي اجزاي مختلف هر يک از آنها با ويرگول (،) صورت مي‏گيرد.

**1.2.4.ارجاع کتاب در منابع**

الف) در ارجاع کتاب با يک مؤلف، اطلاعات ضروري ذکر شده در بالا ذکر مي‏شود، در صورتي که اثر تجديدچاپ شده‏باشد، پس از عنوانِ کتاب، شماره چاپ آن مي‏آيد، مانند:

جوادي آملي، عبداللّه‏ (1372). هدايت در قرآن (چاپ سوم). تهران: مرکز نشر فرهنگي رجاء.

در ارجاعات انگليسي در صورتي که چاپ جديد مجددا ويرايش شده‏باشد، علامتِ اي‏دي (ed) با شماره ويرايش(25) آن، داخل پرانتز آورده مي‏شود، مانند:

.Wadsworth:CA،Belmont.An introdoction to the history of psychology (2nded).(1993) .R .B،Hergenhahn

ب) در ارجاع منابع داراي دو مؤلف يا بيشتر، اسامي مؤلفان به ترتيبِ نامِ ذکرشده در کتاب، ذکر مي‏شود و بين نام‏خانوادگي و نام آنها ويرگول و بين اسامي مؤلفان نقطه ويرگول (؛) مي‏آيد؛ مانند:

سرمد،زهره؛ بازرگان،عباس و حجازي، زهره(1379). روش‏هاي تحقيق در علوم رفتاري (چاپ سوم). تهران: نشر آگاه.

ج) در معرفي کتاب‏هاي ترجمه شده، پس از ذکر نام مؤلف و تاريخ اثر، نام مترجم و تاريخ انتشار ترجمه ذکر مي‏شود. در آثاري که تاريخ نشرشان مشخص نيست، داخل پرانتز به جاي تاريخ نشر، علامت سؤال (؟) مي‏آيد؛ مانند:

صدرالدين شيرازي، محمد(1375). شواهد الربوبيه، ترجمه جواد مصلح. چاپ دوم، تهران: انتشارات سروش.

د) در معرفي کتاب‏هايي که با عنوان سازمان‏ها يا نهادها منتشر شده‏اند، به جاي نام اشخاص، نام مراکز ذکر مي‏شوند: مرکز اسناد و مدارک علمي، وزارت آموزش و پرورش، (1362). واژه‏نامه آموزش و پرورش: فارسي - انگليسي، انگليسي - فارسي. تهران. نشر مؤلف.

ر) کتاب‏هايي که به جاي مؤلف، ويراستاري يا به صورت مجموعه مقالاتي بوده که به وسيله افراد مختلف نوشته شده‏است؛ اما يک يا چند نفر آنها را گردآوري کرده‏اند، بدين صورت مي‏آيند:

شفيع‏آبادي، عبداللّه‏ (گردآورنده)، (1374). مجموعه مقالات اولين سمينار راهنمايي و مشاوره. تهران. انتشارات دانشگاه علامه طباطبايي.

**2.2.4.ارجاع مقاله در منابع**

براي ارجاع به مقاله‏هايي که در مجله‏هاي علمي-تخصصي به چاپ مي‏رسند، ابتدا نام مؤلف يا مؤلفان، پس از آن، تاريخ انتشار اثر، بعد عنوان مقاله، و به دنبال آن، نام مجله و شماره آن ذکر مي‏شود، سپس شماره صفحات آن مقاله در آن مجله با حروف مخفف صص در فارسي و pp در انگليسي آورده مي‏شود؛ مانند:

حداد عادل، غلامعلي (1375). آيا انسان مي‏تواند عيني باشد. فصلنامه حوزه و دانشگاه، ش9، صص 41-35.

**3.2.4.ارجاع پايان‏نامه و رساله در منابع**

در ارجاع رساله‏ها و پايان‏نامه‏ها، پس از ذکر عنوان، بايد ذکرشود که آن منبع پايان‏نامه کارشناسي ارشد يا رساله دکترا و به صورت چاپ نشده، است؛ سپس بايد نام دانشگاهي را که مؤلف در آن فارغ‏التحصيل شده‏است، آورد:

ايزدپناه، عباس (1371). مباني معرفتي مشّاء و اهل عرفان، پايان‏نامه کارشناسي ارشد، چاپ نشده دانشگاه قم.

**4.2.4.ارجاع از يک روزنامه در منابع**

در معرفي مقاله‏هايي که در خبرنامه‏ها و روزنامه‏ها به چاپ مي‏رسد، يا استنادهايي که از متن سخنراني اشخاص در يک روزنامه آورده مي‏شود، همانند ارجاع مقاله در مجله، تمام اطلاعات ضروري را آورده سپس سال انتشار، روز و ماه، نام روزنامه و شماره صفحه را ذکر مي‏کند. مانند:

محقق کجيدي، محمدکاظم (1375، 21مهر)، موانع ساختاري توسعه بخش کشاورزي، روزنامه کيهان، ص6.

**5.2.4.ارجاع فرهنگ‏نامه و دائرة‏المعارف در منابع**

در ارجاع دائرة‏المعارف‏ها نام سرپرست آورده شده و سپس بقيه اطلاعات ضروري، همانند کتاب به ترتيب مي‏آيد؛ مانند:

بجنوردي، سيدکاظم و همکاران (1377)، دائرة‏المعارف بزرگ اسلامي (چاپ دوم)، تهران: مرکز دائرة‏المعارف بزرگ اسلامي.

**6.2.4.ارجاع کنفرانس‏ها، سمينارها و گزارش‏ها**

ارائه گزارش از همايش‏ها و سمينارها بايد به شکل زير بيان گردد: (سلطاني، 1363، ص19).

همايش بين‏المللي نقش دين در بهداشت و روان (1380). چکيده مقالات اولين همايش بين المللي نقش دين در بهداشت روان، تهران: دانشگاه علوم پزشکي ايران.

**7.2.4.نقل منابع الکترونيکي (اينترنت)**

امروزه نقل از منابع اينترنتي يکي از منابع ارجاع است که در ذکر آن، اطلاعات ضروري به ترتيب زير بيان مي‏گردد (ترابيان، 1987، ترجمه قنبري، 1380).

بارلو، جان پي (1996). درخت يوشع مي‏لرزد، در مجله CORE (روي خط اينترنت)، ج8، ش 1، (1992)، نقل شده تاريخ 25 مارس 1996، قابل دسترسي در:

Corel.08.g2.:pub/Zines/CORE-Zine File:Ptp.etext.org Directory

**5. آيين نگارش**

چنان‏که بيان شد، محقق بايد ابعاد سه گانه محتوايي، ساختاري و نگارشي مقاله را مورد توجه قرار دهد. آنچه تاکنون بيان شد، خلاصه‏اي از اصول محتوايي و ساختاري يک مقاله علمي بود. اکنون به بررسي اصول کلي آيين نگارش که رعايت آن در تحرير مقاله علمي ضروري به نظر مي‏رسد، مي‏پردازيم.

الف) متن علمي تا حدّ ممکن بايد مختصر و مفيد باشد. به همين جهت لازم است از آوردن نقل قول‏هاي غيرضروري و حجم‏افزا، تفنن‏هاي شاعرانه و ذوقي، بيان‏هاي عاطفي واحساسي و گزافه‏نويسي اجتناب شود.

ب) از آوردن عبارت‏هاي مبهم، مغلق و پيچيده و واژه‏هاي نامأنوس بايد احتراز گردد.

ج) بايد از ذکر بندهاي طولاني و جمله‏هاي بلند خودداري شود.

د) مطالب بايد ساده، روان، جذاب و به گونه‏اي صريح و روشن بيان گردد.

ر) در نقل مطالب، ضروري است امانت‏داري را با ذکر مشخصات دقيق منبع رعايت نمود. هر چند در اين باب نبايد به دام افراط و تفريط - که حمل بر فضل فروشي يا سهل‏انگاري است- افتاد.

ش) هر بخش از نوشته که شامل يک انديشه و مطلب خاصي است، بايد در يک بند (پاراگراف) آورده شود.

ص) بايد از به کاربردن کلمات مترادف به جهت افزايش حجم اجتناب شود.

ط) بايد از به کاربردن افراطي حروف اضافه و حروف ربط در متن پرهيز گردد.

ع) بايد از به کاربردن تعبيرهاي نامناسب و عاميانه و استعمال الفاظ ناروا، رکيک و غيراخلاقي احتراز شود.

دونکته را در آيين نگارش بايد به صورت مجزا بررسيد: يکي رسم‏الخط فارسي و ديگري آيين نشانه‏گذاري است که مختصرا به آنها اشاره مي‏شود:

**1.5. رسم‏الخط فارسي**

خط، چهره مکتوب زبان است و همانند زبان، از مجموعه اصول و قواعدي پيروي مي‏کند. از آنجا که خط نقش مهمي در اصالت و غناي فرهنگ يک جامعه دارد، نبايد شيوه‏اي را برگزيد که نسل‏هاي جديد در استفاده از منابع کهن و ذخاير فرهنگي خود، دچار مشکل جدي شوند. بنابراين نبايد چهره خط فارسي به صورتي تغيير کند که مشابهت خود را با ذخاير فرهنگي قديمي از دست بدهد.

فرهنگستان زبان وادب فارسي که يک نهاد رسمي است و طبق قانون، وظيفه نظارت، تدوين، تنظيم و تصويب قواعد و ضوابط خط فارسي را به عهده دارد، اصول و قوانيني را در اين باره تصويب کرده است که ما در اين بخش از مقاله، با عنايت به مصوبات اين فرهنگستان، نکات رسم‏الخطي را به اختصار بيان مي‏کنيم.

**1.1.5. قواعد املايي برخي واژه‏ها(26)**
الف) واژه‏هايي که همواره به صورت جدا نوشته مي‏شود، عبارت‏اند از «اي»، مانند: اي خدا؛ «همين» و «همان» مانند: همين جا، همان کتاب؛ «هيچ»: مانند: هيچ يک؛ «مي» و «همي»، مانند: مي‏رود و همي گويد.

ب) واژه‏هايي که همواره جدا نوشته مي‏شود، اما استثناء دارند:

«اين» و «آن» همواره جدا نوشته مي‏شوند، مگر در: آنچه، آنکه، اينکه، اينها، آنها، اينجا، آنجا، وانگهي.

«چه» همواره جدا نوشته مي‏شود، مگر در: چرا، چگونه، چقدر، چطور، چنان.

«بي» همواره جدا نوشته مي‏شود، مگر آنکه کلمه، بسيط‏گونه باشد، مثل: بيهوده، بيخود، بيراه، بيچاره، بينوا، بيجا.

«هم» از کلمه پس از خود جدا نوشه مي‏شود، مگر در:

1. کلمه، بسيط‏گونه باشد، مثل: همشهري، همشيره، همسايه، همديگر، همچنين، همچنان، همين، همان.

2. جزء دوم، تک هجايي باشد، مثل: همدرس، همسنگ، همکار، همراه.

3. جزء دوم با حرف مصوّت «آ» شروع شود، مثل: همايش، هماورد، هماهنگ.

«به» همواره جدا نوشته مي‏شود، مگر در:

1. وقتي بر سر فعل يا مصدر بيايد (باي زينت)، مثل: بگفتم، بروم، بنمايد، بگفتن.

2. به صورت بدين، بدان، بدور، بديشان به کار رود.

3. هرگاه صفت بسازد: بخرد، بشکوه، بهنجار، بنام.

ج) واژه‏هايي که همواره جدا نوشته مي‏شود، اما استثنا دارند:

«که» همواره جدا از کلمه قبل نوشته مي‏شود، مگر در: بلکه، آنکه، اينکه.

«چه» از کلمه پيش از خود جدا نوشته مي‏شود، مگر در: آنچه، چنانچه.

«را» همواره جدا نوشته مي‏شود، مگر در: چرا، مرا.

«تر»، «ترين» همواره جدا نوشته مي‏شود، مگر در: بهتر، مهمتر، کمتر، بيشتر.

د) واژه‏هايي که همواره به ماقبل متصل مي‏شوند، اما استثنا دارند:

«ها» همواره به کلمه ماقبل مي‏چسبد، مگر در:

1. بخواهيم صورت مفرد کلمه مشخص شود، مثل: کتاب‏ها، درس‏ها.

2. کلمه به «ه» غيرملفوظ ختم شود، مثل: ميوه‏ها، خانه‏ها.

**2.1.5.علايم همزه**

الف) اگر حرف پيش از آن مفتوح باشد، روي کرسيِ «ا» نوشته مي‏شود، مگر آنکه پس از آن مصوّت

«اي»، «او» يا «ب» باشد که در اين صورت روي کرسي «ي » نوشته مي‏شود:

رأفت، تأسف، مأنوس، شأن و خلأ، ملأ، مبدأ، منشأ.

رئيس، لئيم، رئوف، مئونت، مطمئن، مشمئز.

ب) اگر حرفِ پيش از آن مضموم باشد، روي کرسي «و» نوشته مي‏شود، مگر آنکه پس از آن مصوّتِ «او» باشد که در اين صورت روي کرسي «ي» نوشته مي‏شود:

رؤيا، رؤسا، مؤسسه، مؤذّن، مؤثر، مؤانست، لؤلؤ، تلألؤ، شئون، رئوس.

ج) اگر حرفِ پيش از آن مکسور باشد، يا ساکن ولي در وسط کلمه قرار داشته باشد، روي کرسي «ي» نوشته مي‏شود و همچنين کلمات دخيل فرنگي همواره با کرسي «ي » نوشته مي‏شوند:

لئام، رئاليست، سئول، نئون، مسئله، جرئت، هيئت، و در توأم استثنا است.

د) اگر حرفِ پيش از آن مکسور و در آخر کلمه باشد، روي کرسي (ي ) نوشته مي‏شود: متلألي‏ء.

ر) اگر حرفِ پيش از آن ساکن و يا يکي از مصوّت‏هاي بلندِ «آ»، «او» يا «اي» بوده و در آخر کلمه نوشته شود، بدون کرسي نوشته مي‏شود: جزء، سوء، شي‏ء، بط‏ء، سماء، ماء، املاء، انشاء.

س) در صورتي که همزه پاياني ماقبل ساکن (بدون کرسي) يا همزه پاياني ماقبل مفتوح (با کرسي «ا») و يا همزه پاياني ماقبل مضموم (با کرسي «و»)به ياي وحدت يا نکره متصل شود، کرسي«ي» مي‏گيرد و کرسي قبلي آن نيز حفظ شود:

جزئي، شيئي، منشائي، مائي، لؤلؤئي.

ص) اگر حرفِ پيش از آن مفتوح يا ساکن و پس از آن حرف «آ» باشد، به صورت ـآ و آ نوشته مي‏شود:

مآخذ، لآلي، قرآن، مرآت.

الف) نشانه کسره اضافه در خط فارسي آورده نمي‏شود، مگر براي رفع ابهام در کلماتي که دشواري ايجاد مي‏کند: اسبِ سواري/ اسب سواري.

ب) براي کلمات مختوم به هاي بيان حرکت، در حالتِ مضاف، از علامت «ء» (ي کوتاه شده شبيه همزه) استفاده مي‏شود: خانه من، نامه من، نوشته او.

ج) «ي» در کلمه‏هاي عربيِ مختوم به «ي» (که «آ» تلفظ مي‏شود) دراضافه به کلمه بعد از خود به «الف» تبديل مي‏شود: عيساي مسيح، موساي کليم، هواي نفس، کبراي قياس.

**4.1.5. واژه‏ها و عبارات مأخوذ از عربي**

الف) «ة» در عبارات مأخوذ از عربي به چند صورت مي‏آيد:

1) اگر در آخر کلمه تلفظ شود، به صورت «ت» نوشته مي‏شود: رحمت، جهت، قضات، برائت، مراقبت.

2) اگر در آخر کلمه تلفظ نشود، به صورت «ه» يا «ـه» نوشته مي‏شود: علاقه، معاينه، مراقبه، نظاره، آتيه.

3) در ترکيبات عربي رايج در فارسي به صوت «ة» يا «ـة» نوشته مي‏شود:ليلة‏القدر، ثقة‏الاسلام، خاتمة‏الامر، دايرة‏المعارف؛ استثنا در کلمات حجت الاسلام، آيت اللّه‏.

ب) «و» که در برخي از کلمه‏هاي عربي به‏صورت «آ» تلفظ مي‏شود. در فارسي به صورت «الف» نوشته مي‏شود، مگر در مواردي که رسم‏الخط قرآني آن مراد است: زکات، حيات، مشکات.

ج) «الف کوتاه» هميشه به صورت «الف، نوشته مي‏شود، مگر در برخي حروف اضافه و اسامي خاصي که «الف» در آخر کلمه مي‏آيد و ترکيباتي که عينا از عربي گرفته شده است: شورا، مولا، تقوا، اسماعيل، رحمان، هارون، ياسين.

الي، حتي، عيسي، يحيي، مرتضي، اعلام‏الهدي، بدرالدّجي، سدرة‏المنتهي، طوبيلک.

**5.1.5. تنوين**

آوردن تنوين (در صورتي که تلفظ شود) در نوشته‏هاي رسمي و نيز در متون آموزشي الزامي است و به صورت‏هاي زير نوشته مي‏شود:

الف) تنوين نصب هميشه به صورت «ا / ـا» نوشته مي‏شود و اگر کلمه مختوم به همزه باشد، همزه آنها روي کرسي «ي » مي‏آيد و سپس تنوين روي «الف» بعد از آن قرار مي‏گيرد:

نسبتا، واقعا، موقتا، عجالتا، طبيعتا، عمدا، جزئا، استثنائا، ابتدائا.

ب) تنوين رفع و جر در همه جا به صورت « ــٌ » و « ــٍ » نوشته مي‏شود و فقط در ترکيبات مأخوذ از عربي که در زبان فارسي رايج است، به کار مي‏رود: مشارٌاليه، مضافٌ‏اليه، منقولٌ‏عنه، مختلفٌ‏فيه، متفقٌ‏عليه، بعبارةٍ‏اُخري، اي‏نحوٍکان.

آوردن تنوين در کلمه‏هاي فارسي اشتباه است: گاها، زبانا.

**6.1.5.ترکيبات**

مراد در اينجا کلمات مرکب و مشتق مي‏باشد که به صورت زير آورده مي‏شود:

1.6.1.5.کلمات مرکبي که الزاما پيوسته نوشته مي‏شوند:

الف) مرکب‏هايي که بسيط گونه‏اند:

آبرو، الفبا، آبشار، نيشکر، رختخواب، يکشنبه، سيصد، يکتا، بيستگانه.

ب) جزء دوم با «آ» آغاز شود و تک هجايي باشد:

گلاب، پساب، خوشاب، دستاس.

ج) هرگاه کاهش يا افزايش واجي يا ابدال يا ادغام يا جابه‏جايي آوايي در داخل آنها روي داده باشد:

چند، هشيار: ولنگاري، شاهسپرم، نستعليق، سکنجبين.

د) مرکبي که دست کم يک جزء آن، کاربرد مستقل نداشته باشد: غمخوار: رنگرز، کهربا.

ر) مرکب‏هايي که جدانوشتن آنها التباس يا ابهام معنايي ايجاد مي‏کند: بهيار (به يار)، بهروز (به روز)، بهنام (به نام).

س) کلمه‏ هاي مرکبي که جزء دوم آنها تک هجايي باشد و صورت رسمي يا نيمه رسمي يا جنبه سازماني، اداري و صنفي يافته باشد: استاندار، بخشدار، کتابدار، قاليشو، آشپز.

**2.6.1.5.کلمات مرکبي که الزاما جدا نوشته مي‏شود:**

الف) ترکيب‏هاي اضافي (شامل موصوف و صفت يا مضاف و مضاف اليه)

ب) جزء دوم با «الف» آغاز شود: دل‏انگيز، عقب‏افتادگي، کم‏احساس.

ج) حرف پاياني جزء اول با حرف آغازي جزء دوم، همانند يا هم مخرج باشد:

آيين‏نامه، پاک‏کن، کم‏مصرف، چوب‏بري، چوب‏پرده، نظام‏مند.

د) مرکب‏هاي اتباعي و نيز مرکب‏هاي متشکل از دو جزء مکرر: سنگين‏رنگين، پول‏مول، تک‏تک، هق‏هق.

ر) مصدر مرکب و فعل مرکب: سخن‏گفتن، نگاه‏داشتن.

س) مرکب‏هايي که يک جزء آنها کلمه دخيل فرنگي باشد: خوش‏پز، شيک‏پوش: پاگون‏دار.

ص) عبارت‏هاي عربي که شامل چند جزء باشد: مع‏ذلک، من‏بعد، علي‏هذا، ان‏شاءاللّه‏، باري‏تعالي، علي‏ايّ‏حال.

ط) يک جزء از واژه‏هاي مرکب، عدد باشد: پنج‏تن، هفت‏گنبد، هشت‏بهشت، نه‏فلک، ده‏چرخه.

ع) کلمه‏هاي مرکبي که جزء اول آنها به «هاي» بيان حرکت ختم شود؛ مگر اينکه در ترکيب، «ها» حذف شده به جاي آن، «گ» ميانجي بيايد: بهانه‏گير، پايه‏دار، کناره‏گير، تشنگان، خفتگان، هفتگي، بچگي.

ف) کلمه با پيوسته‏نويسي، طولاني يا نامأنوس يا پردندانه شود: عافيت‏طلبي، مصلحت‏بين، پاک‏ضمير، حقيقت‏جو.

ق) يک جزء کلمه مرکب، صفت مفعولي يا صفت فاعلي باشد: اجل‏رسيده، نمک‏پرورده، اخلال‏کننده، پاک‏کننده.

ک) يک جزء آن اسم خاص باشد: سعدي‏صفت، عيسي‏دم، عيسي‏رشته، مريم‏بافته.

ل) جزء آغازي يا پاياني آن بسامد زياد داشته باشد: نيک‏بخت، هفت‏پيکر، شاه‏نشين، سيه‏چشم.

م) هرگاه با پيوسته‏نويسي، اجزاي ترکيب معلوم نشود و احيانا ابهام معنايي پديد آيد: پاک‏نام، پاک‏دامن، پاک‏رأي.

**3.6.1.5.کلمات مرکبي که به دو صورت نوشته مي‏شود:**

به جز کلماتي که الزاما پيوسته يا جدا نوشته شود، کلمات مرکب ديگر تابع قاعده خاصي نيست و به دو صورت نوشته مي‏شود که به برخي از آنها اشاره مي‏شود:

الف) پسوند «وار» در برخي کلمات جدا و در برخي ديگر پيوسته نوشته مي‏شود: طوطي‏وار، فردوسي‏وار، طاووس‏وار، بزرگوار، سوگوار، خانوار.

ب) نوشتن کلمه «باسمه‏تعالي» و «بسمه‏تعالي» به هر دو صورت جايز است.

ج) اگر واژه مرکب، عدد يک داشته باشد، نوشتن آن به هر دو صورت جايز است: يکسويه، يک سويه؛ يکشنبه، يک شنبه؛ يکسره، يک‏سره؛ يکپارچه، يک‏پارچه.

**7.1.5.نکات تکميلي در رسم‏الخط**

الف) جمع واژه‏هاي فارسي با «ات» غلط مي‏باشد، مانند گزارشات، پيشنهادات، که صحيح آن گزارش‏ها، پيشنهادها مي‏باشد.

ب) کلمه عربي با علامت عربي جمع بسته مي‏شود، مانند: اطلاعات، وجوه، سطوح

ج) پسوند «يت» مصدرساز عربي، براي کلمات فارسي به کار نمي‏رود؛ مثل: رهبريت، شهريت که صحيح آن رهبري و شهري بودن است.

**2.5.نشانه‏گذاري‏ها(27)**
از آنجا که در جملات مکتوب، عواملي همچون مکث، تکيه، آهنگ و لحن کلام يا اشاره‏ها -که در سخن‏گفتن استفاده مي‏شود- وجود ندارند تا گوينده را در انتقال مقصودش ياري دهند، براي رفع ابهام و روشن‏ترکردن مقصود نويسنده و روان خواندن نوشته، از علايم نقطه‏گذاري استفاه مي‏شود. استفاده از علايم ويرايش، بيشتر تابع لحن کلام و سبک نويسنده است، با وجود اين، گاهي از اصول و قواعدي پيروي مي‏کند که سعي مي‏شود موارد مهم آنها بيان گردد.

**1.2.5 ويرگول (،)**

ويرگول نشانه مکث کوتاه است که با توجه به نوع متن و نوع مخاطب، براي درست و روان خواندن نوشته، در حد اعتدال به کار برده مي‏شود. در برخي موارد استفاده از آن ضرورت دارد که به برخي از آنها اشاره مي‏گردد:

الف) در بين دو کلمه که احتمال دارد خواننده آنها را به هم اضافه کند:

امام، امت اسلام را زنده کرد.

ب) در دو طرف عطف بيان و بدل نيز معمولاً به کار مي‏رود:

شريعتمداري، مدير مسئول روزنامه کيهان، درباره مسائل جاري گفت...

ج) بين چند کلمه يا گروه که در کنار هم بيايند و از نظر دستوري داراي يک نقش باشند، از ويرگول استفاده مي‏شود و دو واحد آخري با «و» به هم عطف مي‏شوند:

مردي مؤدب، فروتن، مهربان و نيکوکار بود.

د) ميان عبارت‏ها و جمله‏هاي غيرمستقل يا وابسته:

معمولاً پيش مردم ظاهربين، دانشمند واقعي کسي است که...

ر) براي جداکردن اجزاي آدرس‏ها:

قم، بلوارامين، روبروي راهنمايي و رانندگي، مؤسسه پژوهشي حوزه و دانشگاه.

س) براي جداکردن ارقام در جمله:

به اين موضوع در صفحه‏هاي 70، 95، 115 و 420 اشاره شده است.

ص) بعد از کلمه‏ها و عبارت‏هاي ربطي مانند:

با اين همه، به هر حال و... و قيدي، مانند: اولاً، ثانيا، بلي، خير و...

**2.2.5.نقطه‏ويرگول (؛)**

نقطه ويرگول براي مکث‏هاي طولاني‏تر و حدّفاصل بين ويرگول و نقطه است و به نقطه نزديکتر است که موارد کاربرد آن به شرح زير است:

الف) قبل از کلمه‏ها و عبارت‏هاي توضيحي مانند: (مثلاً، يعني، اما و...) اگر به مفهوم جمله قبل برگردد:

شيخ‏الرئيس گفته است که: «از گاو مي‏ترسم؛ براي اينکه گاو شاخ دارد و عقل ندارد»؛ يعني اينکه از قدرتمند کم عقل بايد گريخت.

ب) اجزاي وابسته به يک موضوع کلّي، هرگاه به صورت جمله‏هاي متعددِ ظاهرا مستقل بيان شود:

فراق، کوه را هامون کند؛ هامون را جيحون کند؛ جيحون را پرخون کند؛ پس با اين دل ضعيف چون کند؟

ج) هرگاه در بين اجزاي قسمت‏هاي مختلف يک جمله، ويرگول‏هاي متعدد به کار رفته باشد، نقطه ويرگول براي جدا کردن مجموعه آن قسمت‏ها از يکديگر به کار مي‏رود:

محمد، احمد، حسن؛ علي و محمود را زدند.

د) هرگاه موضوع يک جمله کامل، فهرست‏وار دسته‏بندي شده باشد، پس از پايان هر دسته، نقطه ويرگول، و در آخرين دسته، نقطه مي‏آيد؛ مانند:

ساختمان واژه‏هاي فارسي، چند صورت است:

1) ساده: گل، دل، خرد؛

2) پيشوندي: همدل، بينوا، نادان؛

3) پسوندي: کارگر، شنونده؛

4) مرکب: گلخانه، دلنواز، سخنگو؛

5) گروهي: بي دست و پا، آب از سرگذشته.

**3.2.5.نقطه (.)**

نشانه مکث کامل است که در پايان جمله‏هاي خبري و امري مي‏آيد و موارد کاربرد آن به شرح زير است:

الف) پس از توضيحات پاورقي‏ها، جدول‏ها، نمودارها.

ب) در پايان جمله و پس از ذکر مشخصات منابع که در متن استناد شده است؛ مانند:

(مطهري، 1377، ص 25).

ج) براي مشخص کردن حرف‏هاي اختصاري، لازم است پس از هر حرف (به جز حرف آخر) نقطه گذاشته شود؛مانند:

ه.ق (هجري قمري)، ق.م (قبل از ميلاد)

4.2.5.دونقطه (:)

نشانه توضيح است و به جاي کلمه‏ها و عبارت‏هاي توضيحي (نظير، مانند، مثل، ازقبيل و...) به کار مي‏رود، بدين معني که آنچه بعد از دونقطه آمده توضيح مثالِ قبل است؛ مانند:

تنها ره سعادت: ايمان، جهاد، شهادت.

الف) قبل از نقل قول‏ها دو ْنقطه مي‏آيد:

او در کتاب خود گفته است: «شما بوديد که رفتيد...».

ب) براي جداکردن رقم‏هاي جزئي از کلي نيز از دونقطه استفاده مي‏کنند (در متن‏هاي فارسي رقم کلي در سمت راست و رقم جزئي سمت چپ مي‏آيد)، مثلاً جلد سوم صفحه چهل و يک، را به صورت، «3 :41» نشان مي‏دهند.

ج) گذاشتن دونقطه پس از عنوان‏هاي کتاب، مقاله، عنوان اصلي، فرعي و امثال آن لازم نيست.

**2.5.علامت سؤال (؟)**

در پايان جمله‏هاي پرسشي مستقيم، علامت سؤال مي‏آيد؛ همچنين موارد ديگر استفاده از علامت

سؤال عبارت است از:

الف) پس از جمله‏هاي استفهام انکاري:

چه کسي مي‏داند چه خواهد شد؟

ب) بعد از کلمه‏ها يا عبارت‏هايي که به جاي جمله پرسشي بيايند:

کدام بهتر است: علم يا ثروت؟

ج) براي بيان مفهوم ترديد يا استهزا اين علامت در داخل پرانتز (؟) استفاده مي‏گردد:

آقاي محمدي، استاد نمونه دانشگاه تهران (؟) به مشهد رفته است.

د) هرگاه چند جمله سؤالي پشت سر هم قرار گيرند، معمولاً در پايان تک تک آنها نشانه پرسش مي‏آيد:

هيچ معلوم نيست از کجا آمده‏اند؟ چه آورده‏اند؟ به کجا مي‏روند؟

ر) اگر در ضمن جلمه خبري، جمله‏اي پرسشي نقل شود، بايد جمله پرسشي حتما در داخل گيومه قرار گيرد:

طفيلي را پرسيدند که «اشتها داري؟»؛ گفت: منِ بيچاره در جهان همين متاع دارم.

**6.2.5.گيومه «»**

نشانه‏اي است که براي «مشخص کردن» در موارد زير به کار مي‏رود:

الف) هرگاه عين عبارت نويسنده يا گوينده‏اي نقل شده باشد:

او پرسيد «آيا کتابخانه ملي را ديده‏اي؟»

ب) هرگاه براي تأکيد يا به دليل ديگر خواسته شود کلمه يا عبارتي در متن مشخص و متمايز شود مانند:

گفتم «کتاب» را بياور.

ج) آوردن عنوان مقاله‏ها، سخنراني‏ها، فصل‏ها، مجله‏ها، اشخاص، کتاب‏ها و... در متن- جايي که در چاپ حروف کج (ايرانيک) به کار نرفته- در داخل گيومه مي‏آيد.

**7.2.5.پرانتز ()**

براي جداکردن توضيح‏هاي نسبتا اضافي به کار مي‏رود؛ توضيح هايي از قبيل:

الف) عبارت‏هاي تکميل‏کننده و توضيح‏دهنده:

امامان معصوم(ع) احکام ديني را گاهي از راه الهام (نه وحي که خاص پيغمبر است) مي‏گرفتند.

ب) معناي لغت‏ها و کلمه‏ها:

جلد پنجم و ششم فرهنگ معين به اعلام (اسم‏هاي خاص) اختصاص دارد.

ج) تاريخ‏ها:

صائب (986-1081 ه ق) از برجسته‏ترين شاعران سبک هندي است.

د) ذکر مثال‏ها:

روش‏هاي تحقيق به کار گرفته شده (مثل پيمايشي) در متن...

ر) ارجاع‏ها و ذکر منابع در متن:

(جوادي آملي، 1377، ص 54).

س) براي آوردن علايم اختصاري در متن:

(ق.م)؛ (ره)

**8.2.5. خط فاصله (-)**

نشانه جداسازي است و بيشتر در دو طرف جمله يا عبارت معترضه مي‏آيد تا آن را از متن اصلي جمله جدا کند، خط فاصله در جداکردن، از ويرگول قوي‏تر و از پرانتز ضعيف‏تر است؛ به اين معني که خواننده حتما مطلب بين دو ويرگول را بايد بخواند، ولي مطلب دو خط فاصله را مي‏تواند نخواند. تفاوت آن با پرانتز در اين است که عبارت بين دو خط فاصله، جزء جمله به شمار مي‏رود و در روال طبيعي جمله مي‏توانيم آن را بخوانيم، ولي عبارت داخل پرانتز، توضيحي زايد بر متن است و ممکن است از نظر ترتيب کلمات به گونه‏اي نباشد که بتوانيم آن را بخوانيم (غلامحسين‏زاده، 1372، ص 50):

نهضت بيداري مسلمان‏ها در بسياري از کشورهاي اسلامي -برخلاف آنچه که تصور و تبليغ مي‏شود- فرزند انقلاب نيست، برادر آن است.

الف) در آغاز بندهاي کوتاه فرعي که بدون شماره‏گذاري يا دسته‏بندي عددي و حرفي بعد از دو نقطه قرار مي‏گيرند: کارمند خوب کسي است که:

- اهداف کارش را بداند؛

- نيازهايش را بشناسد و...

ب) براي پيونددادن يک ترکيب دو وجهي:

فرهنگ ايراني-اسلامي؛ قطار تهران-مشهد

ج) به معني «تا» در بين دو عدد:

ساعت 9-8 درس دارم.

**6.تايپ مقاله**

امروزه تقريبا اکثر مجلات علمي، مقالات خود را به صورت تايپ شده مي‏پذيرند، بدين روي و براي تکميل شدن بحث، براي آشنايي مؤلفان محترم، برخي از اصول تايپ، بيان مي‏گردد.

الف) عنوان مقاله در وسط سطر و با فاصله چهار سانتي‏متر از بالا با قلم ياقوت، شماره شانزده تايپ مي‏گردد.

ب) نام مؤلف در زير عنوان و در وسط سطر و با فاصله 5/1 سانتي متر، با قلم ترافيک، شماره ده تايپ مي‏شود.

ج) رتبه علمي و محل خدمت مؤلف يا مؤلفان با علامت ستاره () يا شماره در پاورقي همان صفحه و با قلم لوتوس نازک شماره دوازده که متناسب با قلم پاورقي است، تايپ مي‏گردد.

د) عناوين فرعي مقاله با شماره‏هاي تفکيک‏کننده مانند: 1.، 2.، 3.، و...، با قلم لوتوس سياه، شماره چهارده تايپ مي‏گردد.

ر) عناوين فرعي‏تر با شماره‏هاي تفکيک کننده 1.1، 2.1 و... با قلم لوتوس سياه، شماره سيزده تايپ مي‏گردد.

س) متن مقاله با قلم لوتوس نازک، شماره چهارده تايپ شده و ابتداي هر پاراگراف يا بند با کمي تورفتگي (اشپون) با فاصله 5/0 سانتي متر آغاز مي‏گردد.

ص) فاصله بين سطرهاي متن 5/1 سانتي متر و فاصله آنها از عنوان‏هاي فرعي دو سانتي متر است.

ط) فاصله حاشيه صفحه‏ها از هر طرف دو سانتي متر و از بالا و پايين نيز دو سانتي متر است و فاصله آخرين سطر با پاورقي يک سانتي متر است.

ع) نقل قول‏هاي مستقيم در داخل گيومه با قلم لوتوس نازک، شماره دوازده تايپ مي‏گردد.

ف) شماره صفحات در گوشه سمت چپ و بالاي صفحه تايپ مي‏گردد.

ق) مقاله فقط بر يک طرف صفحه تايپ مي‏شود.

ک) بايد در تايپ مقاله از به کاربردن قلم‏هاي متنوع و متفاوت اجتناب شود.

ل) قلم انگليسي لازم براي تايپ پاورقي، Times Mediumبا شماره هشت است و همين قلم براي انگليسي در متن و منابع با شماره ده استفاده مي‏شود.

**7. ويرايش متن**

ويرايش متن بر عهده ويراستار است که بايد طبق قوانين مربوط به نشر و ضوابط علمي صورت دهد. هرچند ويرايش، وظيفه محقق نيست، براي آشنايي محققان، به توضيحي اجمالي در اين رابطه مي‏پردازيم:

هر اثر تحقيقي دو نوع ويرايش مي‏شود: ويرايش فني و ويرايش محتوايي.

**1.7.ويرايش فني**

در ويرايش فني مسائلي از قبيل به دست دادن ضبط لاتيني نام‏ها يا معادل فرنگي اصطلاحات فني، تعيين محل تصاوير، اشکال و جدول‏ها، مراعات شيوه مناسب براي معرفي مشخصات کتاب‏شناسي، تهيه فهرست مندرجات، فهرست تفصيلي، واژه‏نامه، فهارس ديگر، تنظيم صفحه عنوان و صفحه حقوق، اعراب گذاري‏هاي لازم، تبديل مقياس‏ها و سنوات، توضيح لازم براي برخي از اصطلاحات، معرفي اجمالي بعضي از اعلام در صورت نياز انجام مي‏شود.

**2.7. ويرايش محتوايي**

هر نوع کاستي و نادرستي نحوي و زباني در اين ويرايش اصلاح مي‏شود. اگر اثر تحقيقي، متن تصحيح شده باشد، به بدخواني‏هاي مصحح توجه و با مراجعه به منابع - در صورت همکاري مصحح و در اختيار قرار دادن منابع- از درستي واعتبار توضيحات و تعليقات وي اطمينان حاصل مي‏شود. در مورد آثار ترجمه شده مطابقت تمام وکمال ترجمه با متن اصلي لازم است (دهنوي، 1377، ص 100).

**8.پيوست‏ها**

اگر مقاله علمي داراي مطالبي باشد که در گزارش پژوهش علمي ضروري نيست، مؤلف آن را در پيوست‏ها، ضميمه مقاله مي‏نمايد. به‏طور کلي آنچه پرسشنامه را در درک، ارزشيابي و تکرار پژوهش ياري مي‏کند، مانند نسخه کاملي از آزمون‏ها يا پرسش نامه‏هاي چاپ نشده و شاخص‏هاي آماري آنهاو...، مي‏تواند در پيوست آورده شود.

در اين بخش، برخي از پيوست‏هاي مربوط به اين مقاله آورده شده است:

1.8.فرم ارزيابي مقاله مربوط به تحقيقات ميداني (شماره 1).
2.8.فرم ارزيابي مقاله مربوط به تحقيقات کتابخانه‏اي (شماره 2).
3.8.فرم ارزيابي مقاله مربوط به ترجمه (شماره 3).
4.8.نشانه‏هاي ويراستاري.
منابع

- احمدي گيوي، حسن، حاکمي، اسماعيل؛ شکري، يداللّه‏ و طباطبايي، محمود (1368). زبان و نگارش فارسي. تهران سمت.

- اعتماد، شاپور؛ حيدري، اکبر؛ سربلوکي، محمدنبي و مهرداد، سيد مرتضي (1381). معرفي نظام ارزيابي مجلات علمي. تهران، مرکز تحقيقات علمي وزارت علوم، تحقيقات و فن آوري.

- ترابيان، کيت(1987). راهنماي نوشتن مقالات در طول ترم: پايان نامه‏هاي کارشناسي ارشد و دکتري. ترجمه محسن قنبري(1380). قم، مؤسسه آموزشي و پژوهشي امام خميني (ره).

- دلاور، علي(1371). روش‏هاي تحقيق در روان‏شناسي و علوم تربيتي. چاپ سوم. تهران، دانشگاه پيام نور.

- دهنوي، حسين(1377). روش تحقيق. چاپ سوم. قم، نشر معروف.

- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازي، الهه (1379). روش‏هاي تحقيق در علوم رفتاري. چاپ سوم. تهران، برگه.

- سيف، علي‏اکبر(1375). روش تهيه پژوهشنامه در روان‏شناسي و علوم تربيتي. تهران، دانشگاه آزاد اسلامي واحد رودهن.

- غرويان، محسن(1368). آموزش منطق. چاپ اول. قم، مؤسسه انتشارات دارالتعليم.

- غلامحسين‏زاده، غلامحسين (1372). آيين نگارش و ويرايش. تهران، سمت.

- فرهنگستان زبان وادب فارسي (1382). دستور خط فارسي. چاپ دوم. تهران، آثار فرهنگستان.

- مطهري، مرتضي(1372). آشنايي با علوم اسلامي. چاپ پنجم. قم، دفتر انتشارات اسلامي.

- هومن، حيدرعلي(1374). شناخت روش علمي در علوم رفتاري. چاپ دوم. تهران، پارسا.

- هومن، حيدرعلي(1378). راهنماي تدوين گزارش پژوهشي: رساله و پايان نامه تحصيلي، تهران، پارسا.

1. عضو هيئت علمي پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

2. محققان برای آشنایی با ملاک‏هاي محتوايي و ساختاري، به فرم های ارزیابی مقالات مراجعه فرمایند.

3. Theory

4. Explanation .

5. Research.

6 .Methodology.

7 .Abstract.

8 .Key Words.

9.Scientif Method.

10.Introduction.

11.Method.

12. Subjects.

13.Instruments .

14.Research Design.

15 . Procedure

16.Deta Analysis.

17 . results.

18.Discussion.

19.Interpretation .

20.Canclusio.

21.Referrals.

22. Citation.

23. Mc burney.

24. راه تشخيص آن در کتاب فهرست مستند «اسامي مشاهير و مؤلفان» اثر کتابخانه ملي آمده است.

25. Edition.

26. لازم به يادآوري است تمام آنچه در بخش رسم‏الخط بيان مي‏شود، برگرفته از کتاب فرهنگستان زبان و ادب فارسي (1382) مي‏باشد به جز آنجايي‏که ارجاعِ مجزا داده شده است.

27. تمام مباحث مربوط به نشانه‏گذاري‏ها از دو کتاب «زبان و نگارش فارسي» تأليف دکتر حسن احمدي گيوي و همکاران و کتاب «آيين نگارش و ويرايش» اثر دکتر غلامحسين غلامحسين‏زاده از انتشارات «سمت» گرفته شده‏است.

Top of Form

تعداد بازدیدها : 19107

Bottom of Form